

بررسی فقهی انفاق زن بدون اذن شوهر

زهره روحبخش فعالی^{۱*}، اعظم امینی^۲

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مشهد، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۳-۸۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۹

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۵/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

انفاق، اذن شوهر، زن، رضایت، فقه.

نویسنده مسؤول:

زهره روحبخش فعالی

آدرس پستی:

ایران، دانشگاه پیام نور.

تلفن:

۰۹۱۵۱۰۷۷۸۳۴

کد ارکید:

0000-0002-1681-5904

پست الکترونیک:

z.roohbakhsh@chmail.ir

چکیده

زمینه و هدف: یکی از وظایف مهم افراد در جامعه اسلامی، دستگیری نیازمندان و تهیدستان می‌باشد هر کس به اندازه امکانات و توانمندی خویش وظیفه دارد که خلاءهای موجود در زندگی افراد را جبران و کمبودهای آنان را در حد توان رفع کند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: فقیهان بزرگ شیعه و برخی از طوایف اهل سنت به این امر فتوا داده و گفته‌اند: زن بالغ رشید برای هرگونه تصرفی در اموال خود مجاز است، خواه شوهر داشته باشد یا نداشته باشد.

نتیجه‌گیری: زن نیز همانند مرد شایستگی مالکیت و اداره اموال خود را دارد و می‌تواند نسبت به اموال و املاکی که از طریق کار و تلاش اقتصادی یا ارث یا مهر و نفقه، مالک شده است، هرگونه تصرفی از قبیل خرید و فروش، اجاره، رهن، مزارعه، مساقات، هبه صلح، مضاربه و قرض داشته باشد و نیاز به اجازه گرفتن از کسی، حتی از شوهر، ندارد.

مقدمه

اجمالاً باید دانست که اولاً، عدم جواز تصرف شوهر در اموال زن مورد اتفاق همه فقهای شیعه می‌باشد و تاکنون کسی به جواز تصرف شوهر در اموال همسر خود فتوا صادر نکرده؛ و ثانیاً، فقها منعی برای این که زوجه بتواند اموال خود را در مصارف شخصی‌اش صرف کند قائل نشده‌اند و حتی تجارت او با اموال خود را متوقف بر اذن شوهر نکرده‌اند؛ و هیچ دلیل نقلی هم بر جواز اول و منع دوم در منابع روایی شیعه وجود ندارد. بلکه تمام اطلاعات و عموماتی که بر جواز تصرف هر کس در مال خود دلالت دارد جواز تصرف زن در اموال خود را ثابت می‌کند و تا دلیل معتبری بر تقیید این ادله ثابت نشود دلالت آن‌ها تام و معتبر خواهد بود؛ اما بحث اصلی ما در این باره است که آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر از مال خود انفاق کند و یا آن‌ها را در سایر امور خیر مصرف کند؟ اما در کتب روایی اهل سنت روایتی دال بر این که زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر در اموالش تصرف کند شده است: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا حَمَّادٌ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي هِنْدٍ وَحَبِيبِ الْمُعَلِّمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ فِي مَالِهَا إِذَا مَلَكَ زَوْجُهَا عِصْمَتَهُ. با این وجود، بیشتر فقهای اهل سنت هم به استقلال زن در تصرفات مالی خود فتوی داده‌اند و تنها از مالک و نیز از احمد حنبل نظر مخالف دیده شده است.

۱- مفهوم شناسی مسئله

۱-۱ انفاق در لغت

«نفق» در لغت به معنی گذشتن از هر چیز و از بین رفتن آن یا تمام شدن آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۲/۱).

۱-۲ انفاق در اصطلاح

و در اصطلاح انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و

یا از بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۰/۲).

در این تعریف به طور واضح مشخص است که از مالی می‌توان انفاق کرد که در ملک خود انسان باشد حتی به وضوح مشخص است که این انفاق را در چه راه‌هایی می‌توان انجام داد.

۳-۱ انفاق در قرآن

در قرآن بارها به کلمه‌ی انفاق اشاره شده است به عنوان مثال در آیه ۲۵۴ سوره بقره آمده است «یا ایها الذین آمنوا انفقوا مما رزقنا کم من قبلان یاتی یوم لابیع فیه»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم! انفاق کنید پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است، محتوای آیه انفاق این است که جمله‌ی «مما رزقناکم» (از آنچه به شما روزی داده‌ایم) مفهوم وسیعی دارد که هم انفاق‌های مالی واجب و مستحب را شامل می‌شود و هم انفاق‌های معنوی مانند علم و دانش و امور دیگر، ولی با توجه به تهدیدی که در ذیل آیه آمده بعید نیست منظور، انفاق واجب یعنی زکات و مانند آن باشد، به علاوه انفاقی واجب است که بنیه بیت المال و حکومت را تقویت می‌کند، ضمناً از تعبیر «مما» استفاده می‌شود که انفاق واجب همیشه بخشی از مال را دربر می‌گیرد نه همه آن را ولی با توجه به آخرین جمله آیه که کافران را ظالمان می‌شمرد، اشاره‌هایی است که ترک انفاق نوعی کفر و ظلم است و این جز در انفاقات واجب، تصور نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۷/۲).

در آیه ۲۶۲ و ۲۶۳ سوره بقره نیز آمده است: کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان محفوظ است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند (قرآن، بقره: ۲۶۲).

گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندى آنان) بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به

دنبال آن باشد و خداوند بی نیاز بردبار است (قرآن، بقره: ۲۶۳).

طبق این آیات قرآن، به نکته‌ی مهمی که باید توجه داشته باشیم این است که در تمام آیات ذکر شده است که انفاق و بخشش از مال خود (پس زن مالک اموال شوهر نمی‌باشد) این نکته‌ی مهم می‌رساند که هر کس مالک اموال خود می‌باشد و اجازه دخل و تصرف در اموال دیگری را ندارد، در آیه فوق همانطور که مشاهده می‌کنیم آمده است که اگر انفاقی می‌کنیم باید بدون منت و همراه با خوار کردن طرف مقابل نباشد تا اجر و پاداش آن ضایع نشود و مورد قبول خداوند قرار گیرد.

۲- تقسیم‌بندی انفاق به واجب و مستحب

سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر این آیات انفاق را جز و حق الله و حق الناس می‌داند و بر دو دسته تقسیم می‌کند: انفاق واجب مانند زکات، خمس، کفاره، گناهان و انفاق مستحب مانند صدقات، بخشش‌ها و وقف‌ها که واجب نیستند و دلایل اصلی تأکید بر انفاق را تعدیل ثروت‌ها، کم کردن فاصله طبقاتی و ایجاد برادری بین مسلمین می‌داند. طباطبایی براساس آیات فوق شرایط زیر را برای انفاق صحیح می‌شمارد: انفاق باید در راه خدا، از مال پاک و بدون منت و آزار و اذیت به فقیرانی که در راه خدا فقیر شده‌اند باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸۴/۲). با توجه به این تفسیر که انفاق باید از مال پاک باشد در می‌یابیم که مال شوهر بدون اجازه اگر انفاق شود پاک نمی‌باشد و مورد قبول درگاه باری تعالی نمی‌باشد چون غصبی محسوب می‌شود. همچنین این آیه جوامع امروزی را می‌تواند پوشش دهد همانطور که میدانیم امروزه به دلیل کم شدن انفاق فاصله طبقاتی بین مردم بسیار زیاد شده است.

همچنین در آیه ۶۷ سوره فرقان گفته شده است که مؤمن نباید در انفاق زیاده روی کند «والذین إذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا و کان بین ذلک قواما» (قرآن، فرقان: ۶۷)؛ بلکه باید راهی متعادل در پیش گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

از توضیحات فوق نتیجه می‌گیریم که انفاق اگر با خلوص نیت و بدون منت گذاشتن و در حدی باشد که به زندگی شخصی فرد (شوهر) لطمه وارد نکند یعنی افراط در آن نشود می‌تواند مورد رضایت خداوند و دارای عواقب نیکویی دنیوی و اخروی نیز باشد حال باید دید انفاق اگر توسط زن و بدون اجازه شوهر انجام گیرد آیا این عمل نیکو (انفاق) تبدیل به یک عمل ناپسند می‌شود و هیچ اجر و مزدی که ندارد باعث ناخشنودی خداوند و شوهر نیز می‌شود. گاه ما مشاهده می‌کنیم که یک زن در خانواده با انفاقهای بیش از حد خود خانواده را متزلزل کرده و موجب خشم شوهر و فرزندان می‌شود و موجبات خشم و اختلاف بین زن و مرد را ایجاد می‌کند گاه دیده می‌شود که با گذشت و نیکوکاری زن و سائلی از منزل بخشیده می‌شود که گاه شوهر رضایت ندارد و همان وسیله بعداً مورد نیاز خود خانواده می‌باشد و همین مطلب می‌تواند زمینه ساز مشکلاتی بین زن و مرد باشد لذا انفاق باید به گونه‌ای باشد که ضرر مالی و روحی و روانی به خود و خانواده ایجاد نکند.

۳- انفاق زن بدون اجازه شوهر از اموال خودش

۳-۱- انفاق زن از اموال خودش بدون اجازه شوهر

مالکیت انسان بر اموال و دارایی‌های خویش حق مشروع و غیر قابل انکار اوست؛ و در بهره‌مندی از آن فرقی بین زن و مرد نیست. زنان نیز در استفاده از حق مالکیت خود و دخل و تصرف ناشی از آن همانند هر عاقل و بالغ دیگر؛ و در حدود موازین شرعی و اغراض عقلایی نیاز به اجازه و توصیه دیگری ندارند.

زنان حتی حق دارند که اطلاعاتی مربوط به اموال؛ حساب بانکی و گردش مالی خود را از دسترس دیگران حتی و شوهر، پدر، مادر، فرزند، برادر دور داشته و محفوظ دارند و بدون اجازه و حتی بی‌اطلاع هریک از آنان به دیگری و یا هر کسی که صلاح می‌دانند کمک می‌نماند. در کتاب استفتائات امام خمینی (ره) آمده است:

مخیر می‌سازند و کودکانه دل خویش می‌دارند که زن را به خواسته خود راضی و همراه نموده‌اند.

۲-۳ دیدگاه اهل سنت و شیعه

بیشتر فقهای اهل سنت هم به استقلال زن در تصرفات مالی خود فتوی داده‌اند و تنها از مالک و نیز از احمد حنبل در یکی از دو روایت از مذهب وی نظر مخالف آمده است:

وَّظَاهِرُ كَلَامِ الْخَرَقِيِّ، أَنَّ لِلْمَرْأَةِ الرَّشِيدَةِ التَّصَرُّفَ فِي مَالِهَا كُلِّهِ، بِالتَّبَرُّعِ، وَالْمُعَاوَضَةِ. وَهَذَا إِحْدَى الرَّوَايَتَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ. وَهُوَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ وَالشَّافِعِيِّ وَابْنِ الْمُزَنِّ. وَعَنْ أَحْمَدَ رَوَايَةٌ أُخْرَى، لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَصَرَّفَ فِي مَالِهَا بِزِيَادَةٍ عَلَى الثُّلُثِ بِغَيْرِ عَوَضٍ، إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَبِهِ قَالَ مَالِكٌ (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۹۳۹).

بر اساس نقل فوق، احمد حنبل هر گونه تصرف معاوضه‌ای زن را مستقلاً مجاز دانسته و انحاء دیگر تصرف را به موافقت زوج مشروط کرده است، بنابراین، او هم معتقد است که معاملات زن منوط به اذن زوج نیست.

در میان فقهای برجسته شیعه محقق قمی برای جواز تصرف زن در اموال خود چنین گفته کرده است: به جهت آن که مفروض این است که زن آزاد است و شخص آزاد مالک منافع خود است (قمی، ۱۳۸۷: ۴۶۲/۴).

آیت الله خوئی ره هم عدم توقف تصرف زن در مال خود را بر اذن شوهر مسلم دانسته و گفته است تا کنون احدی به نیاز این گونه تصرفات به اذن شوهر فتوای نداده است:

لأنَّ عدَّةً من المذكورات لا إشكال في عدم توقفها على إذن الزوج كالصدقة من مالها و الهبة من مالها و نحو ذلك من التصرفات في أموالها الشخصية و لم يلتزم أحد به اعتبار إذن الزوج في صحة هذه التصرفات، صاحب حدائق هم همین نکته را در حدائق متذکر شده است:

س ۱۹- این جانب دارای مقادیر زیادی سکه و زینت‌آلات می‌باشم مقداری از آن‌ها از جمله تعدادی از سکه‌های طلا و چند زنجیر و مدال‌های کوچک را خانواده‌ی همسرم و بقیه طلاها را پدر و مادر هنگام عقد ازدواج به من هدیه کرده‌اند، مقداری را نیز هنگام تولد فرزندانم اقوام اهداء کرده‌اند اکنون مایل هستم آن‌ها را تقدیم حضور مرجع و امام بنمایم و تنها در جهت انقلاب به مصرف برسد. بفرمائید که اگر در این زمینه با همسرم مشورت نکنم و یا در صورت مشورت با مخالفت ایشان روبرو گردم آیا شرعاً اجازه دارم اقدام نمایم؟

جواب- طلاجات و زینت‌آلاتی که ملک زن است اختیار آن با خود زن است و اجازه شوهر شرط نیست (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۵۵۳/۲).

بر همین پایه است که اسلام درعین حال بر ضرورت اخلاق و گذشت و تفاهم و مدارا در زندگی مشترک تاکید دارد، طرفدار شفافیت و رعایت حدود و انضباط مالی بین زن و شوهر نیز می‌باشد امر مهمی که متأسفانه به جهت باورهای اشتباه و یا ملاحظات و تعارفات به فرجام، بسیاری از زندگی‌های مشترک فاقد انبوه و احیاناً با گرفتاری‌ها، مشکلات و فشارهای روانی ناشی از آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

امروزه مشاهده می‌کنیم کم نیستند مردانی که به دلیلی بی‌اطلاعی از احکام اسلام یا خدای نکرده از سر جاهلیت و تعافل اختیار اموال و دارایی و حساب بانکی و حقوق زنان خود را به دست گرفته و بدون اطلاع و رضایت زن حتی با وجود اظهار مخالفت وی در آن تصرف کرده و ذمه خود به حق الناس مشغول و مديون می‌سازند یا آنکه آنان را در تصرف مال خود در هزینه‌های خیر خواهانه و خدایسندانه و مساعدت مالی به خویشان و نزدیکان حتی پدر و مادر، باز می‌دارند. چه بسا در برابر مقاومت زن و اصرار وی بر حقوق شرعی خویش آشوب به پا کرده و زن را عملاً بین آرامش زندگی و صرفنظر کردن از حق الهی خویش

حضرت آیت اله مکارم شیرازی: اذن شوهر لازم نیست (همان).

حضرت آیت اله سیستانی: اذن شوهر لازم نیست (همان).

همه مراجع تقلید: خیر زن می‌تواند هر گونه تصرفی در اموال خود انجام دهد و اجازه شوهر لازم نیست، (هرچند اجازه بگیرد بهتر است) (تبریزی، همان).

البته بعضی از فقها در این زمینه نذر را استثنا می‌کنند؛ به این بیان که نذر زن بی اجازه شوهرش باطل است (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۱۱/۲).

و بعضی صدقات و خیرات را نیز نذر می‌دانند (گلپایگانی، ۱۳۷۹: ۳۴/۳).

و البته این سخنان همه به لحاظ حقوقی و شرعی است و گر نه سزاوار نیست که زن و شوهر مؤمن و مسلمان در زندگی مشترک ادعای حق و حقوق خویش را داشته باشد، بلکه با توجه به آموزه‌های اسلامی و الگو پذیری از زندگی مشترک ادعای حق و حقوق خویش را داشته باشد بلکه با توجه به آموزه‌های اسلامی و الگو پذیری از بزرگان دین ما چنین به دست می‌آید که در زندگی زناشویی جو حاکم در منزل باید، صفا و صمیمیت و دوستی و رفاقت باشد، نه منیت و خودخواهی و بزرگ بینی، اگر زن و شوهر با هم رفیق باشند بسیاری از امور که به صورت مشکل، خود را نشان می‌دهد به سادگی قابل حل است.

البته قابل ذکر است که مدیریت و سرپرستی منزل با مرد است (نه البته عنوان امتیازی خاص) که باید همه‌ی اعضای خانواده با توجه به این نکته موجبات استحکام و قوت زندگی را فراهم آورند.

با توجه به این نکته مرد هم باید در منزل با مدارا برخورد کند و حتی المقدور تصمیم گیری‌های مهم زندگی را با معاشرت خانواده انجام دهد، ولی آنچه بر مرد واجب است، پرداخت نفقه (خوراک، پوشاک، مسکن، مایحتاج زن و نفقه زن) است و در مازاد از اینها حق هر گونه تصرف مباح در اموالش را دارد.

... توقف تصرف المرأة فی مالها و صرفه فی هذه الوجوه المذكورة فی الخبر علی اذن الزوج لا قائل به من الأصحاب،

اما محدث عاملی ره صاحب وسایل الشیعه در هدایه الامه که کتاب فتوایی اوست انفاق و هر گونه تصرف زن در مال خود را بدون اذن شوهر مکروه دانسته (حر عاملی، بی‌تا: ۳۴/۷).

نظر مراجع تقلید در مورد اذن شوهر در هزینه کردن اموال زن:

انسان در مورد احکام مجهول به مراجع تقلید خود مراجعه می‌کند در این مورد نیز مراجع نظراتی داده‌اند که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

سؤال: آیا در هزینه و انفاق کردن مال یا پولی که زن در اثر کارکردن یا بخشش دیگران، مانند پدر یا شوهر به دست می‌آورد اذن شوهر لازم است؟
حضرت آیت الله خامنه‌ای:

در هزینه کردن اموالی که ملک زن است، اذن شوهر لازم نیست (سایت هدایتگر، ۱۳۹۶). حضرت آیت الله خامنه‌ای رضایت شوهر را در انفاق اموال زن از خودش لازم نمی‌داند احتمال می‌دهیم باتوجه به جمله مسلمانان بر اموال خویش تسلط دارند این حکم را صادر کرده باشند؛ زیرا زن نیز مانند مرد بر اموال خودش مسلط هست.

حضرت آیت الله تبریزی:

در تصرف زن در اموال خودش اذن شوهر لازم نیست، لکن احتیاط مستحب این است که در این تصرفات به شوهر اطلاع دهد (تبریزی، ۱۳۸۵: ۵۱۸/۵). احتمال می‌دهیم نظر آیت الله تبریزی بر این اساس باشد که زن و مرد چون شریک زندگی هم هستند و برای استحکام بیشتر زندگی اگر از اعمال همدیگر باخبر باشند بهتر است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

در هزینه کردن برای حوائج شخصی و تجارت و هدیه به خویشاوند مثل پدر و مادر و خواهر و برادر اذن شوهر لازم نیست (سایت جامع احکام شرعی، ۱۳۹۴).

در هر حال پاسخ حضرت آیت الله مهدی هادوی تهرانی دامت برکاته نسبت به اذن شوهر در انفاق زن این است که از مال خودش می‌تواند بدون اجازه شوهر خرج کند ولی از مال شوهر، بدون اجازه نمی‌تواند خرج کند (سایت اسلام کوئست، ۱۳۹۲).

با بیان این مطلب متوجه می‌شویم که در اینجا دو مطلب وجود دارد مطلب اول اینکه زن از اموال خودش که مالک، آن می‌باشد انفاق کند یا هزینه کند و مطلب دوم اینکه زن از اموال شوهرش انفاق کند که مطلب اول را بررسی کردیم و با توجه به نظر همه‌ی مراجع و فقها زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش از اموال خودش که مالک آن‌ها می‌باشد انفاق کند و هیچ نیازی به اذن شوهر ندارد؛ اما مطلب دوم که زن از اموال شوهرش انفاق کند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴- انفاق زن بدون اجازه شوهر از اموال شوهر

از دیدگاه اسلامی، مدیریت خانه با شوهر است و یک مدیر موفق باید از زوایای پیدا و نهان محیط تحت مدیریت خودآگاه باشد تا بتواند واقعه بینانه تر و مطابق با اوضاع و شرایط موجود برنامه ریزی کرده، تصمیم گیری کند، بدون شک زن با اراده اطلاعات و آگاهی‌های لازم، می‌تواند مرد را در ارائه مدیریت بهتر برای خانه یاری دهد. اگر زن امری را از مرد خود حتی در اموری که مربوط به شخص خودش است همانند هبه و انفاق و صدقه پنهان ندارد، به یقین در تصمیم گیری‌های مرد نسبت به امور خانه مؤثر خواهد بود؛ زیرا با شناخت و آگاهی بیشتر و بهتری تصمیم گیری کرده است چه بسا زن به دور از چشم شوهر انفاقی کرده و مرد نیز برای خانواده تصمیمی گرفته باشد که اگر از انفاق و بخشش همسرش مطلع بود به گونه دیگری تصمیم می‌گرفت.

نکته دیگر اینکه بنیان خانواده بر اعتماد و اطمینان زن و شهر بر یکدیگر استوار است زن در خانه امین شوهر و مسئول امور خانه و فرزندان است (بخاری، ۱۳۸۷: ۱۲۵/۳).

وقتی زن درخانه، خود را مطیع شوهر بداند و در همه امور حتی صدقه و انفاق که از مال شوهر می‌خواهد بردارد، شوهر را آگاه کند و با اجازه او انجام دهد، شوهر نیز به او اطمینان کرده، او را همراه و محرم اسرار خویش می‌داند، با این کار، ایمان و اطمینان همسران به یکدیگر بیشتر شده، زن و مرد احساس می‌کند که واقعاً به هم نزدیک شده‌اند و همسر یکدیگرند و این امر در استحکام خانواده بسیار مؤثر است. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند حکمت این اجازه را روشن کند آن است که پیمان زناشویی، برای هریک از زوجین حقوق و تکالیفی ثابت می‌شود که همسران موظف به رعایت آن هستند، در این میان، انجام کارهایی که منافی حقوق همسران باشد، برای آنان مجاز نخواهد بود.

برای نمونه همین انفاق بدون اجازه شوهر می‌باشد روایت عمر بن حدیث از حضرت زینب (س) نقل کرده است که: زینب همسر عبدالله، باخبر شد که رسول الله (ص) به زنان فرموده است: صدقه بدهید و انفاق کنید هرچند از زیورات باشد وی که سبب اشتغال به صنعت دستی درآمدی داشته و همسرش بیضاعت بود، همراه با زن دیگری از انصار به نام زینب، خدمت رسول الله (ص) شرفیاب شد و پرسید: آیا می‌توانم از اموال به همسرم تصدق کنم؟ پیامبر (ص) ضمن جواب مثبت فرمود: برای این عمل دو پاداش است: یکی رسیدگی به خویشان و دیگری صدقه (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۵۰۲/۳).

امر رسول گرامی به زنان برای صدقه دادن، خواه صدقه واجب زکات باشد یا مستحب (انفاق) دال بر ثبوت استقلال اقتصادی زنان است؛ زیرا لازمه تصدق مالکیت و تسلط بر اموال است؛ تا کسی مالک اموالی نباشد نمی‌تواند از آن صدقه بدهد.

نتیجه بحث فوق این می‌شود که زنی که استقلال اقتصادی ندارد و از خود منبع درآمدی ندارد برای انفاق و بخشش و صدقه باید از شوهر حتماً اجازه بگیرد.

خیانت کند و همچنین تصرف در اموال شوهر خود داشته باشد زیرا او مالک اموال شوهرش نمی‌باشد و کسی که مالک چیزی نیست نباید در آن به دیگران انفاق و بخشش کند. گاه مشاهده می‌شود که زن بدون آگاهی از احکام و به قصد و نیت خیرخواهی و دلسوزی مالی را از اموال شوهرش بدون اجازه او انفاق می‌کند که بعدها با عکس العمل و نارضایتی شوهر و حتی گاهی این عمل باعث مشاجره و اختلاف بین آن دو می‌شود که در این عمل زن نه تنها ثوابی ثبت نمی‌شود بلکه اجر این ثواب با نارضایتی شوهر و بی اطلاعی او به عنوان مالک اموالش از بین می‌رود و چه بسا عقوبت‌های دنیوی و اخروی نیز در پی داشته باشد.

۴-۱-۴ نارضایتی شوهر از انفاق همسر و تاثیرات منفی آن در زندگی

اگر زن امانت دار اموال شوهر نباشد و بدون اجازه او از اموالش دخل و تصرف کند فرزندان این عمل ناشایست را خود به خود از مادر می‌آموزند زن می‌تواند با اجازه گرفتن از شوهر و جلب رضایت او و همراه ساختن او در یک امر خیر و خداپسندانه اطاعت کردن از شوهر را به فرزند دختر خود به طور عملی بیاموزد.

از سوی دیگر اگر شوهر ناراضی باشد و بعداً از هر طریقی متوجه عمل همسرش گردد از او ناراحت شده و اعتماد او نسبت به همسرش کم می‌شود و ممکن است باعث مشاجره و درگیری در بین خانواده و گاهی مشکلات بزرگتر شود.

دخل و تصرف بدون اجازه در اموال شوهر بد آموزی دیگری که دارد این است که فرزندان می‌آموزند که بدون اجازه از وسائل و مالی که به صورت امانت نزد آنها می‌باشد خیانت کنند و هرطور که دوست دارند از آن استفاده کنند پس انجام یک عمل خیر با قصد و نیت رضایت خداوند و شادی دیگران گاهی اگر بدون آگاهی باشد و احکام آن را ندانیم می‌تواند منجر به مشکلات دنیوی و اخروی شود و اجر پاداش آن از بین برود.

و اگر بدون اجازه شوهر چیزی را (مالی را از اموال شوهرش) ببخشید یا انفاق کند چون جز اموال خودش نبوده و مالک آن نبوده جایز نیست. انفاق و بخشش به فتوای فقها بدون رضایت و اجازه شوهر اگر از مال او باشد جایز نیست و نباید اجر یک عمل مستحب را با اهمال و کوتاهی در موردی به این کوچکی از بین برده اجازه گرفتن و گفتن به شوهر و کسب رضایت او، به معنی شریک کردن او در این کار خیر است و مسلماً همکاری و همراهی لذت بخش تر از کار فردی خواهد بود.

در انفاق‌های واجب از قبیل حج واجب، زکات، خمس، نیکی به والدین و ارحام اذن شوهر لازم نیست بلکه اگر نهی هم بکند به نهی‌اش لازم نیست ترتیب اثر بدهد (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۱۵/۲۳). مطلب فوق نشان می‌دهد که واجبات از مستحبات در زمینه انفاق جدا می‌شوند زیرا واجبات دستورات خداوند می‌باشند و به طور مستقیم قول خداوند هستند و سرپیچی از آنها جایز نیست حتی اگر امر شوهر باشد زیرا امر پروردگار ارجحیت دارد.

از جمله کسانی که اطلاعات امرشان، اطاعت خدا و رسول است چون امر ایشان می‌باشد اطاعت زن از شوهر است، چنانچه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: مردان قیام کنندگان و کار گزاران بر امور زنانند و این به سبب زیادتی است که خدا به مردان نسبت به زنان داده است (که آن عبارت است از زیادتی عقل و حسن تدبیر و زیادتی قوه و فهم و غیر آنها) و به واسطه آن چیزی که نفقه می‌نماید بر زنها (از مهر و مسکن و خوراک و لباس) پس زن‌های صالحه اطاعت کنندگان خدایند و در قیام نمودن به حقوق شوهران خود، در غیاب شوهر نگاه دارنده‌اند، (عفت و عصمت و حفظ خود از مردان اجنبی و در ضبط و حفظ مال شوهر) (کلینی، ۱۳۹۳: ۵۰۸/۵).

در مطلب فوق اشاره شده است که زن باید از مال شوهر خود حفاظت کند و به عنوان یک امانت دار حافظ اموال شوهر خود باشد پس یک زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهرش در یک امانتی که به دست او سپرده می‌شود

۵- انفاق کردن حضرت فاطمه (س) به عنوان الگوی زنان عالم

سرور زنان عالم و بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (س) در حدیثی می‌فرمایند: از دنیای شما سه چیز محبوب من است ۱- تلاوت قرآن، ۲- نگاه به چهره رسول خدا، (ص) ۳- انفاق در راه خدا (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱/۱۱۳).

انفاق در سیره حضرت فاطمه دارای ۳ مرتبه و درجه است که هر کدام بر دیگری ارجحیت دارد: ۱- صدقات ۲- مواسات ۳- ایثار و از خود گذشتگی

۱-۵- صدقه:

حضرت فاطمه توجه ویژه‌ای به پرداخت صدقه به فقرا داشتند و هیچ مستمند و نیازمندی از در خانه‌اش دست خالی باز نمی‌گشت، نمونه بارز انفاق و ایثار آن بزرگوار بخشش (لباس عروسی) به زن فقیر آن هم در شب عروسی است. نقل شده است که پیامبر (ص) در شب عروسی دخترش یک دست لباس نو به دخترش دادند تا در شب عروسی بپوشند. هنگامی که موبک عروس رهسپار خانه علی (ع) بود زن سائلی پیش آمد و در برابر عروس اظهار احتیاج نمود. فاطمه (س) که در آن وقت دو پیراهن داشت، یکی کهنه و دیگری نو، به مصداق آیه ((لن تنالو حتی تنفقوا مماتحبون)) (قرآن، آل عمران: ۹۲) هرگز به نیکی دست نمی‌یابید واز نیاکان نمی‌شوید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید. پیراهن نو را به فقیر بخشید این عمل وی به قدری بزرگ است که تا کنون تاریخ نتوانسته نمونه‌ای از آن را در خاطر خود ثبت کند از این داستان می‌توانیم نتیجه بگیریم که حضرت زهرا از اموال خود که اجازه‌ی شوهر در آن مهم نیست انفاق کرده‌اند زیرا او مالک اموال خویش بوده و مال او هر چند با ارزش و دوست داشتنی بود اجازه دارد آن را انفاق کند و نیازی به رضایت شوهر ندارد.

۲-۵- مواسات:

مواسات به معنای تقسیم اموال با نیازمندان در اندازه کفاف است، یعنی در همان مقدار کفاف دیگری را نیز شریک سازد. اگر افزون بر اندازه کفاف باشد واز آن مقدار زیادی به کسی ببخشد به آن مواسات نمی‌گویند ودر واقع صدقه می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۳۵/۱۴). همانطور که می‌دانیم زندگی مشترک حضرت فاطمه و امام علی (ع) در حالی شکل گرفته بود که در جامعه نوپای اسلامی، فقیران و مستمندان و گرسنگان زیادی به سر می‌بردند از این رو ایشان می‌کوشیدند به پیروی از رسول خدا زندگی ساده و دور از تجملاتی را برای خود تدارک ببینند و به مواسات اسلامی عمل کنند نقل شده است که حضرت رسول (ص) هرگاه از سفری مراجعت می‌فرمودند اول به خانه‌ی حضرت زهرا تشریف می‌بردند و مدتی می‌ماندند و بعد آر آن به منزل خود می‌رفت. در یکی از سفرهای پیامبر حضرت زهرا برای خود دستبند و گلوبند و گوشواره از جنس نقره تهیه کرده و پرده‌ای بر در خانه خود آویخته بود. هنگامی که رسول خدا (ص) از سفر مراجعت کرد و به خانه فاطمه زهرا (س) وارد شد چون چشمش به زینتهای حضرت فاطمه (س) افتاد با ناراحتی از خانه بیرون رفت و به مسجد وارد شد و در کنار منبر نشست. حضرت فاطمه با فهمیدن علت این رفتار پدر برای جلب رضایت و خشنودی رسول اکرم (ص) همه‌ی آن زینتها را به نزد پدر فرستاد و پیغام داد که دخترت سلام می‌رساند و می‌گوید: این‌ها را در راه خدا انفاق کنید و چون آن‌ها را به نزد پیامبر (ص) آوردند سه مرتبه فرمود ((آنچه را خواستم فاطمه انجام داد پدرش به فدای او باد)) (مجلسی، ۱۳۱۵: ۸۳/۴۳).

از داستان فوق می‌توان فهمید اول اینکه ساده زیستی و همسان شدن با فقرا و مساکین از عادات و اعمال امامان و معصومین بوده است و اینکه در اینجا هم حضرت زهرا به عنوان یک زن از اموال و دارایی که مالک آن بوده است انفاق کرده است.

۳-۵ ایثار:

برترین و بالاترین مرتبه انفاق ایثار است. در این مرتبه فرد نه تنها اموال خود را به مستمندان تقسیم، وبدون تجملات در سطح فقیرترین افراد جامعه زندگی می‌کند، بلکه آنان را بر خود مقدم می‌دارد ونصیب خودش را نیز به آن‌ها تقدیم می‌نماید واین عالی‌ترین مصداق انفاق و بزرگواری است وبه راستی نمونه بارز آن حضرت فاطمه زهرا (س) هستند.

ابن عباس نقل نمود که امام حسن و امام حسین بیمار شدند. پیامبر با جمعی از یارانش به عیادتشان آمدند وبه علی (ع) گفتند چه خوب است برای بهبودی فرزندان نذری کنید.

علی وفاطمه وفضه کنیز آنان نذر کردند که اگر کودکان بهبود یافتند ۳ روز روزه بدارند. بچه‌ها بهبود یافتند واثری از کسالت باقی نماند حضرت علی (ع) سه من جو قرض گرفت وفاطمه (س) یک من آن را آرد کرده، از آن نان درست کرد سهم هرکسی را جلوش گذاشت تا افطار کنند. در همین حال سائلی در خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت (ص)، من مسکینم مرا طعام دهید، خاندان آن سائل را برخود مقدم شمرده افطار خود را به او دادند روز دوم یتیمی در خانه را زد بازهم افطار خود را به او دادند، شب سوم اسیری آمد همان عمل را نسبت به انجام دادند. صبح روز چهارم علی (ع) دست امام حسن و امام حسین را گرفت و نزد رسول خدا برد آن حضرت وقتی بچه‌ها را دید که از شدت گرسنگی ضعیف شده‌اند گریه کرد. در این هنگام جبرئیل نازل شد (طبرسی، ۱۴۲۷: ۲۰۹/۱۰).

اینگونه انفاق از خود گذشتگی حضرت زهرا را نشان می‌دهد واطاعت از خداوند را که ما انسان‌ها در این زمینه باهم فرق داریم واین اطاعت تقوای ما را نشان می‌دهد وباعث بزرگی وبالا رفتن درجه معنویت ما می‌شود.

آیاتی که در سوره انسان درباره ابرار نازل شده در شان فاطمه (س) و خانواده اوست که نشان می‌دهد ارزش ایثار و اطعام آنان به خاطر نهایت اخلاص در راستای کسب رضایت پروردگار می‌باشد و لذا می‌فرماید: ((و

یطیعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا انما نطعمکم و لوجه الله لا نريد منکم جزاء و لا شکورا)) (قرآن، انسان: ۸) و غذایی را که از شدت احتیاج دوست داشتند، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند و گفتند: شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم، نه از شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار سپاس و ثنایی داریم.

البته داستان فوق جای اندکی فکر دارد زیرا امامان ما به دلیل بار مسئولیت معصومیت و امامتشان همیشه در معرض امتحانات الهی قرار می‌گرفتند لذا امکان دارد این یک امتحان الهی در مورد آن‌ها بوده است و چون امامان یقین و اعتماد و ایمانشان نسبت به خداوند متعال قوی و بلاشک بوده است آن‌ها یقین داشته‌اند که خداوند آن‌ها را تنها نمی‌گذارد و هدف خود را همیشه رضایت و جلب خشنودی خداوند می‌دانستند. به نظر می‌رسد یک انسان معمولی اگر در این حد انفاق کند خانواده خود را متضرر و متزلزل می‌کند و در این زمانه با وجود تورم بالا از خود گذشتگی تا این حد که سه شبانه روز غذای خود را به فقرا بدهی کمی جای اندیشیدن دارد.

نتیجه گیری

انفاق یکی از فضایل اخلاقی هست که در اسلام به طور مکرر به آن سفارش شده است و در قرآن و روایات بارها به آن پرداخته شده است.

انفاق به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راهبهای مورد نظر گفته می‌شود. در پژوهش حاضر از یافته‌های خود نتیجه می‌گیریم که انفاق زن اگر از اموال خودش باشد حتی اگر شوهر او ناراضی باشد از نظر فقهی و شرعی و قانونی هیچ مشکلی ندارد زیرا او مالک اموال و دارایی خود می‌باشد و حق دخل و تصرف در آن‌ها را دارد. اهل سنت و شیعه در مورد این دیدگاه اتفاق نظر دارند و تعداد کمی از اهل سنت مانند ابن حنبل و مالک معتقدند که اذن شوهر در انفاق زن در اموال خودش نیز لازم می‌باشد.

حال اگر این هزینه و انفاق از اموال شوهر و بدون کسب اجازه و بدون آگاهی او باشد اینجا دیگر زن مجاز نیست که در اموال او تصرف کرده و از آنها صدقه دهد یا انفاق کند زیرا او مالک این اموال نیست و حتماً باید رضایت و اجازه شوهر را کسب کند و همه‌ی فقها انفاق زن بدون اذن شوهر از مال او را جایز نمی‌دانند. نظر مراجع تقلید نیز در برداشتن پول از جیب شوهر بدون اجازه او نیز این‌گونه هست که حکم به جایز نبودن آن داده‌اند مگر برای مایحتاج ضروری او که بلامانع می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- آیت الله تبریزی، میرزا جواد. (۱۳۸۵). *صراط النجاه* (جلد ۵). قم: دارالفکر.
- ابن حنبل، امام احمد. (۱۴۲۱). *مسند احمد* (جلد ۳). قم: موسسه الرساله.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۹). *لسان العرب* (جلد ۴). بیروت: التراث العربی.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). *استفتائات امام* (جلد ۲). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). *توضیح المسائل* (جلد ۲). حوزهی علمیه قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۸۷). *صحیح البخاری* (جلد ۳). قم: جامعهی مدرسین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه* (جلد ۲۳). قم: موسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۱۳۴). *هدایه امه* (جلد ۷). مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی القرآن* (جلد ۱). قم: دارالعلم.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن* (جلد ۲). بیروت: موسسه علمی مطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (جلد ۲). تهران: ناصر خسرو.
- قدامه، ابو محمد موفق الدین. (۱۳۸۸). *المغنی* (جلد ۱). قاهره: مکتبه القاهره.
- قمی، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۸۷). *جامع الشتات* (جلد ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). *فروغ کافی* (جلد ۵). قم: قدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). *فروغ کافی* (جلد ۵). قم: قدس.
- گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۳۷۹). *مجمع المسائل* (جلد ۳). قم: دفتر آیت الله حاج شیخ حسین ایوبی.
- لنکرانی، فاضل. (۱۳۸۶). *جامع المسائل* (جلد ۲). قم: امید.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵). *بحار الانوار* (جلد ۴۳). بیروت: نشر الاسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۸۶). «اخلاق و عرفان اسلامی». موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۵، ۱۸، ۱۶.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (جلد ۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). *گفتار معصومین* (جلد ۱). قم: مدرسه امام علی (ع).
- سایت جامع احکام شرعی، <http://sraaj.ir/fa/index.php> (۱۳۹۴/۸/۲۴).
- سایت استفتائات، کد مطلب ۱۵۶۱fa.
- سایت اسلام کوئست، ۱۳۹۷/۱۲/۳۰، www.islamquest.net.



Jurisprudential study of female almsgiving without the permission of the husband

Zohreh Roohbakhsh Faali^{*1}, Azam Amini²

1. Master of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 73-84

Article history:

Received: 29 Jun 2020

Edition: 27 Jul 2020

Accepted: 30 Aug 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Almsgiving, permission of husband, wife, consent, jurisprudence.

Corresponding Author:

Zohreh Roohbakhsh Faali

Address:

Iran, Payame Noor University.

Orchid Code:

0000-0002-1681-5904

Tel:

09151077824

Email:

z.roohbakhsh@chmail.ir

ABSTRACT

Background and Aim: one of the most important duties of the people in Islamic societies is helping needies and indigents. Every one had to compensate the existing shortages of the others depending on her his own possibilities.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Shia important jurisprudences and some of the Sonnet tribes had accepted this and they have said: Adult women can decide to do everything with her own properties, either she has husband or not.

Conclusion: Women, like men, can run her own properties which had acquired by economic working, inheritance, dower and alimony, women can decide what to do with their own properties such as buying and selling, leasing, mortgaging, farm letting, donation, bailment and loaning and they do not need to let anyone even their husband.

Cite this article as:

Roohbakhsh Faali Z, Amini A. Jurisprudential study of female almsgiving without the permission of the husband. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(3): 73-84.